



پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

# بررسی علمی مختصات آوایی و دستوری در بلوچی براساس لهجه ی نیکشهری

استاد (اساتید) راهنما:  
دکتر محمد بارانی

استاد مشاور:  
دکتر محمود عباسی

تحقیق و نگارش:  
محمدعلی بلوچی

این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است

بهمن ۱۳۹۰

## چکیده

عنوان رساله « بررسی علمی مختصات آوایی و دستوری در بلوچی براساس لهجه ی نیکشهری» می باشد. در این رساله سعی بر آن شده است که توصیفی کلی از مختصات زبانی در بلوچی براساس لهجه ی مردم نیکشهری ارائه شود. نیکشهر در جنوب استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. بلوچی جزو زبان های خانواده ی هند و ایرانی است که عموماً در قسمت شرق و جنوب شرق ایران رواج دارد و به لحاظ ساختار و واژگان، به زبان پهلوی بسیار نزدیک می باشد و تحقیق در آن می تواند در غنای زبان فارسی مؤثر واقع شود.

این رساله دارای شش فصل است که فصل اول آن شامل کلیات پژوهش و در آن از اهداف پژوهش، اهمیت و پیشینه ی پژوهش و مطالبی در مورد شهرستان نیکشهر می باشد. فصل دوم شامل توصیف صامت ها و مصوت و بررسی آنها در جفت های کمینه و همچنین به بررسی فرآیندهای زنجیری در بلوچی پرداخته شده است. در فصل سوم به بررسی صرفی و ساختمان واژگان و در فصل چهارم به مبحث فعل و در فصل پنجم به ساختار نحوی در بلوچی براساس لهجه ی نیکشهری پرداخته شده و فصل ششم شامل نتیجه گیری از پژوهش انجام شده می باشد. در انتها برای نمونه سه پیوست از واژگان، ضرب المثل ها و متون و اشعار بلوچی گنجانده شده است.

**کلمات کلیدی:** زبان، گویش، لهجه، واج، دستور زبان، بلوچی، نیکشهر

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات پژوهش.....
۲	۱-۱- مقدمه.....
۳	۲-۱- زبان، گویش و لهجه.....
۵	۳-۱- اهمیت توجه و بررسی زبان های محلی و گویش ها.....
۵	۴-۱- پیشینه ی تحقیق.....
۶	۵-۱- اهداف تحقیق.....
۶	۶-۱- فرضیه های تحقیق.....
۷	۷-۱- نیکشهر و موقعیت جغرافیایی آن.....
۹	فصل دوم: توصیف واجی و فرآیندهای زنجیری.....
۱۰	۱-۲- توصیف واجی بلوچی.....
۱۰	۲-۲- تعریف واج.....
۱۰	۳-۲- استخراج واج ها.....
۱۰	۴-۲- توصیف همخوان ها.....
۱۱	۱-۴-۲- واج/b(ب)/.....
۱۱	۲-۴-۲- واج/p(پ)/.....
۱۳	۳-۴-۲- واج/t(ت)/.....
۱۴	۴-۴-۲- واج/ʈ(ث)/.....
۱۴	۵-۴-۲- واج/ʃ(ج)/.....
۱۵	۶-۴-۲- واج/č(چ)/.....
۱۷	۷-۴-۲- واج/d(د)/.....
۱۸	۸-۴-۲- واج/dʰ(ڈ)/.....
۱۸	۹-۴-۲- واج/r(ر)/.....
۱۹	۱۰-۴-۲- واج/z(ز)/.....
۲۰	۱۱-۴-۲- واج/ž(ژ)/.....
۲۰	۱۲-۴-۲- واج/s(س)/.....
۲۱	۱۳-۴-۲- واج/š(ش)/.....
۲۲	۱۴-۴-۲- واج/k(ک)/.....
۲۲	۱۵-۴-۲- واج/g(گ)/.....
۲۳	۱۶-۴-۲- واج/l(ل)/.....
۲۳	۱۷-۴-۲- واج/m(م)/.....

۲۴	...../واج/n(ن)/
۲۴	...../واج/w(و)/
۲۴	...../واج/h(ه)/
۲۴	...../واج/y(ی)/
۲۵	.....۵-۲ توزیع و طبقه بندی همخوان ها
۲۸	.....۶-۲ توصیف واکه ها یا مصوت ها (vowel)
۲۸	.....۱-۶-۲ / a / واج
۲۹	.....۲-۶-۲ / e / واج
۲۹	.....۳-۶-۲ / o / واج
۳۰	.....۴-۶-۲ / â / واج
۳۰	.....۵-۶-۲ / u / واج
۳۰	.....۶-۶-۲ / i / واج
۳۱	.....۷-۶-۲ / ü / واج
۳۲	.....۸-۶-۲ / ï / واج
۳۲	.....۹-۶-۲ / aw / واج
۳۲	.....۱۰-۶-۲ / ay / واج
۳۲	.....۷-۲ توزیع مصوت ها (واکه ها)
۳۴	.....۸-۲ ساختمان هجا
۳۵	.....۹-۲ واحدهای زیر زنجیری
۳۵	.....۱-۹-۲ تکیه
۳۷	.....۲-۹-۲ آهنگ
۳۸	..... فصل سوم: صرف
۳۹	.....۱-۳ مقدمه
۳۹	.....۲-۳ اسم
۳۹	.....۱-۲-۳ مفرد
۳۹	.....۲-۲-۳ جمع
۴۰	.....۱-۲-۲-۳ حذف نشانه ی جمع
۴۲	.....۳-۲-۳ اسم جمع
۴۲	.....۳-۳ معرفه و نکره
۴۳	.....۴-۳ ضمیر
۴۳	.....۱-۴-۳ ضمائر شخصی
۴۷	.....۲-۴-۳ ضمیر مشترک

۴۸	..... ۳-۴-۳- ضمیر اشاره
۴۹	..... ۴-۴-۳- ضمیر پرسشی
۵۰	..... ۵-۴-۳- ضمیر تعجبی
۵۱	..... ۶-۴-۳- ضمیر مبهم
۵۲	..... ۵-۳- قید
۵۲	..... ۱-۵-۳- قیدهای مختص
۵۳	..... ۲-۵-۳- قید زمان
۵۴	..... ۳-۵-۳- قید مکان
۵۴	..... ۴-۵-۳- قید مقدار
۵۵	..... ۵-۵-۳- قید کیفیت
۵۶	..... ۶-۵-۳- قید حالت
۵۸	..... ۷-۵-۳- قید تمنا و آرزو
۵۸	..... ۸-۵-۳- قید تأسف
۵۹	..... ۹-۳-۳- قید تعجب
۶۰	..... ۱۰-۵-۳- قید تصدیق و تأکید
۶۱	..... ۱۱-۵-۳- قید پاسخ
۶۱	..... ۱۲-۵-۳- قید پرسش
۶۲	..... ۱۳-۵-۳- قید تدریج
۶۳	..... ۱۴-۵-۳- قید تکرار
۶۳	..... ۱۵-۵-۳- قید علت
۶۴	..... ۱۶-۵-۳- قید تردید
۶۴	..... ۱۷-۵-۳- قید انحصار
۶۵	..... ۱۸-۵-۳- قید منفی
۶۶	..... ۶-۳- صفت
۶۶	..... ۱-۶-۳- اقسام صفت
۶۶	..... ۱-۱-۶-۳- صفت بیانی
۷۲	..... ۲-۱-۶-۳- صفت شمارشی (اعداد)
۷۸	..... ۲-۶-۳- درجات صفت بیانی
۸۱	..... ۷-۳- شاخص
۸۱	..... ۸-۳- نقش نماها
۸۲	..... ۱-۸-۳- حروف اضافه
۸۲	..... ۱-۱-۸-۳- حروف اضافه ی ساده

۸۶	..... حرف اضافه مرکب (گروهی).....	۲-۱-۸-۳
۸۷	..... مفعول بی واسطه.....	۲-۸-۳
۸۷	..... حروف ربط یا پیوند.....	۳-۸-۳
۹۰	..... حروف ندا.....	۴-۸-۳
۹۰	..... اصوات و نام آواها.....	۹-۳
۹۲	..... اتباع.....	۱۰-۳
۹۳	..... ساختمان کلمه.....	۱۱-۳
۹۳	..... مشتق.....	۱-۱۱-۳
۱۰۶	..... مرکب.....	۲-۱۱-۳
۱۰۸	..... مشتق- مرکب.....	۳-۱۱-۳
۱۱۰	..... فصل چهارم: دستگاه فعل.....	
۱۱۱	..... مقدمه.....	۱-۴
۱۱۱	..... مصدر.....	۲-۴
۱۱۱	..... ستاک حال.....	۳-۴
۱۱۲	..... ستاک گذشته.....	۴-۴
۱۱۲	..... فعل های باقاعده.....	۵-۴
۱۱۳	..... فعل های بی قاعده.....	۶-۴
۱۱۴	..... فعل ماضی.....	۷-۴
۱۱۵	..... ماضی ساده.....	۱-۷-۴
۱۱۶	..... ماضی نقلی.....	۲-۷-۴
۱۱۶	..... ماضی بعید.....	۳-۷-۴
۱۱۷	..... ماضی ابعده(ماضی بعید نقلی).....	۴-۷-۴
۱۱۹	..... ماضی شرط و آرزو.....	۵-۷-۴
۱۲۰	..... ماضی التزامی.....	۶-۷-۴
۱۲۲	..... ماضی استمراری.....	۷-۷-۴
۱۲۳	..... ماضی قریب الوقوع ناتمام.....	۸-۷-۴
۱۲۵	..... فعل مضارع.....	۸-۴
۱۲۵	..... مضارع ساده.....	۱-۸-۴
۱۲۶	..... مضارع مستمر.....	۲-۸-۴
۱۲۷	..... مضارع التزامی.....	۳-۸-۴
۱۲۸	..... فعل آینده.....	۹-۴
۱۲۸	..... فعل امر.....	۱۰-۴

۱۲۹.....	۱۱-۴- فعل نهی.....
۱۲۹.....	۱۲-۴- فعل نفی.....
۱۳۰.....	۱۳-۴- فعل دعایی.....
۱۳۱.....	۱۴-۴- فعل وجهی.....
۱۳۲.....	۱۵-۴- فعل مجهول.....
۱۳۴.....	۱۶-۴- فعل های اسنادی.....
۱۳۴.....	۱۷-۴- صرف فعل «بود».....
۱۳۵.....	۱۸-۴- وجوه افعال.....
۱۳۶.....	۱۹-۴- وند سببی.....
۱۳۷.....	۲۰-۴- ساختمان فعل.....
۱۳۷.....	۱-۲۰-۴- فعل ساده.....
۱۳۷.....	۲-۲۰-۴- فعل پیشوندی.....
۱۳۸.....	۳-۲۰-۴- فعل مرکب.....
۱۴۰.....	<b>فصل پنجم: نحو.....</b>
۱۴۱.....	۱-۵- اجزای جمله.....
۱۴۲.....	۲-۵- مطابقت فعل با نهاد و یا مفعول.....
۱۴۳.....	۳-۵- نهاد.....
۱۴۵.....	۴-۵- مفعول.....
۱۴۵.....	۵-۵- مسند.....
۱۴۶.....	۶-۵- متمم.....
۱۴۶.....	۷-۵- قید.....
۱۴۷.....	۸-۵- فعل.....
۱۴۷.....	۹-۵- انواع جمله.....
۱۴۹.....	۱۰-۵- ترکیب اضافی و وصفی.....
۱۵۰.....	<b>فصل ششم: نتیجه گیری.....</b>
۱۵۱.....	۱-۶- نتیجه گیری.....
۱۵۴.....	<b>منابع و مأخذ.....</b>
۱۵۸.....	<b>پیوست ها.....</b>
۱۵۹.....	پیوست الف- واژه نامه.....
۱۸۸.....	پیوست ب- ضرب المثل ها.....
۱۹۳.....	پیوست ج- گزیده اشعار و متون.....

نشانه های آوا نویسی

ردیف	معادل	واج	ردیف	معادل	واج
۱	b	ب	۱	a	اَ، اِ، اُ، -
۲	p	پ	۲	e	اِ، -
۳	t	ت، ط	۳	o	اُ، -، و
۴	t'	ث	۴	â	آ
۵	s	ث، س، ص	۵	u	او
۶	h	ه، ح	۶	i	یی
۷	x	خ	۷	ū	وو
۸	ǰ	ج	۸	ī	ئی
۹	č	چ	۹	aw	اَو
۱۰	d	د	۱۰	ay	ئی
۱۱	d'	ڈ			
۱۲	z	ز، ذ، ض، ظ			
۱۳	ž	ژ			
۱۴	r	ر			
۱۵	s	س			
۱۶	š	ش			
۱۷	ʔ	ع، ء			
۱۸	g	گ، غ			
۱۹	k	ک			
۲۰	f	ف			
۲۱	q	ق			
۲۲	l	ل			
۲۳	m	م			
۲۴	n	ن			
۲۵	w	و			
۲۶	y	ی			



## فهرست علائم

نشانه	علامت
واج	/ /
یا	/
قابل حذف شدن	[ ]
می شود؛ رجوع کنید به	←
رجوع کنید به	ر.ک

فصل اول

کلیات پژوهش

بررسی زبان های محلی و گویش ها یکی از شاخه های علم زبان شناسی است که هدف آن گردآوری و توصیف علمی آنهاست. با توجه به گسترش آموزش همگانی و رسانه های گروهی و در نتیجه باسواد شدن مردم روستاها، زبانهای رسمی جایگزین گویش ها و زبان های محلی که منابعی بسیار غنی برای پژوهش های زبانی، ادبی، جامعه شناسی، مردم شناسی و تاریخی می باشند، می شود.

بلوچی در قسمت های وسیعی از استان سیستان و بلوچستان، شهرستان جاسک و قسمت هایی از خراسان بزرگ در ایران، در محدوده های مرو کشور ترکمنستان، در هلمند کشور افغانستان، بلوچستان و مناطقی از استان سند (send) پاکستان و نیز در کشورهای حوزه ی خلیج فارس و دریای عمان توسط مهاجران بلوچ مورد استفاده قرار می گیرد. « زبان بلوچی با وجود اینکه در نواحی مشرق و جنوب شرقی ایران رواج دارد، با توجه به مختصات و ویژگی های ساختاریش جزو زبان های ایرانی شمال غربی محسوب می شود (باقری، تاریخ زبان فارسی، ۱۳۸۶: ۱۰۹) » و « آنها (بلوچ ها) ظاهراً از شمال به جنوب کوچ کرده اند ولی به علت مجاورت با زبان های شرقی ایرانی بعضی از عوامل آنها را اقتباس کرده است (معین، ۱۳۷۱: ۲۷) ». بلوچی را به لهجه های مختلفی تقسیم بندی کرده اند. الفنبین (Elfenbein, 1966: 10) بلوچی را شامل شش گویش رخشانی، سراوانی، لاشاری، کیچی، ساحلی و تپه های شرقی و عده ای دیگر که عمدتاً رایج تر است، آن را به دو گونه ی سرحدی (از محدوده ی شهرستان خاش به طرف شمال) و مکرانی (از شهرستان های سراوان و ایرانشهر به طرف جنوب) طبقه بندی نموده اند. در طبقه بندی اخیر، لهجه ی مکرانی خود می تواند به زیر شاخه های دیگری تقسیم گردد که می توانند به لحاظ واژگانی و حتی صرف و نحو از یکدیگر متفاوت باشند مانند لهجه ی سراوانی که تفاوت هایی با لهجه ی مردم ایرانشهر، بنت، لاشار و نیکشهر و در مواردی هر یک از لهجه های ذکر شده با هم دیگر تفاوت هایی دارند.

آنچه که در این رساله تحت عنوان لهجه ی مردم نیکشهر مطرح شده در واقع منظور لهجه ایست که عمدتاً در حوزه ی مرکزی شهرستان نیکشهر و روستاهای مجاور آن مورد استفاده قرار می گیرد، می باشد. زیرا شهرستان نیکشهر خود دارای بخش هایی است که مردم آن ممکن است لهجه های متفاوتی از لهجه ی بررسی شده در این رساله داشته باشند. مثلاً مردم اسپکه، بنت و فنوج لهجه هایی متفاوت از مردم حوزه ی مرکزی شهرستان دارند. از طرفی لهجه ی مورد بررسی را نمی توان فقط مختص نیکشهر بدانیم زیرا این لهجه در شهرستان

سرباز و قسمت هایی از شهرستان چابهار نیز به کار می رود و نامگذاری آن به لهجه ی نیکشهری به دلیل اقامت نگارنده در نیکشهر و نگاشتن واژگان براساس آنچه که مردم این شهر تلفظ می کنند، است که ممکن است در مواردی متفاوت با دیگران باشد و بر بنده عیب گرفته نشود.

## ۱-۲- زبان، گویش و لهجه

در اینجا به بیان مباحثی درباره ی تعاریف زبان، گویش و لهجه می پردازیم. تعاریفی که از این اصطلاحات ارائه داده اند به دلیل تمایز زبان و گویش از یک سو و گویش و لهجه از سوئی دیگر معمولاً نسبی اند و نمی توان بین آنها مرز دقیقی مشخص نمود. تعاریفی که از زبان ارائه شده است:

«زبان ابزاری طبیعی برای منظم کردن اندیشه و نیز ارتباط میان افراد انسان است. انسان به وسیله ی زبان اندیشه و شناخت خود را سازمان می دهد و از راه آن، اندیشه ی خود را به دیگران منتقل می سازد(مشکوة الدینی، ۱۳۸۴: ۱۱)». و یا « زبان عبارتست از یک نظام صوتی قراردادی که به وسیله ی دستگاه گفتار آدمی تولید می گردد و افراد جامعه از آن به عنوان وسیله ای جهت ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند.(کلباسی، ۱۳۷۰: ۱۳)»

اما در باره ی گویش گفته اند:

«گویش صورت تغییر یافته ای از یک زبان است که برای سخنگویان دیگر، صورت های آن زبان قابل فهم نیست. مانند: گویش طبری، گیلکی و ... که مشتق از زبان های ایرانی قدیم هستند. (کلباسی، ۱۳۷۰: ۱۳)»

« در راهنمای گردآوری گویش ها» ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی(۱۳۸۹) این سه اصطلاح این گونه تعریف شده اند:

« اصطلاح « لهجه » هنگامی به کار می رود که تفاوت میان دو یا چند گونه ی یک زبان اساساً آوایی / واجی باشد. سخنگویان لهجه های یک زبان به آسانی می توانند سخنان یکدیگر را دریابند. « گویش » های یک زبان گونه هایی از آن زبان اند که در گذر زمان به دلایل مختلف تفاوت هایی آوایی / واجی، دستوری و واژگانی با یکدیگر یافته اند؛ با وجود این، برقراری ارتباط میان گویندگان و شنوندگان گویش های مختلف یک زبان کم

و بیش ممکن است. اما اگر تفاوت میان دو گونه ی زبانی به اندازه ای باشد که برقراری ارتباط را ناممکن سازد، آن دو گونه دو « زبان » متفاوت هستند.

لهجه های یک زبان در طول تاریخ با دور شدن از یکدیگر به تدریج به گویش های آن زبان بدل می شوند. اگر گویش های یک زبان نیز در گذر زمان چنان از یکدیگر دور شوند که امکان برقراری ارتباط میان سخنگویان آنها از میان رود، به زبان های مختلف بدل می شوند.»

بنابراین براساس تعاریف داده شده تا حدود زیادی زبان، گویش و لهجه مفاهیمی نزدیک به هم اند که درباره ی مفاهیم علمی و دقیق آن ها بین زبان شناسان اختلاف نظرهایی وجود دارد.

آقای پور ریاحی برای تبیین بیشتر زبان و گویش جوامع را به دو دسته تقسیم نموده است:

۱- جامعه ی زبانی ۲- جامعه ی سیاسی. در درون هر مرز سیاسی انسان هایی قرار دارند که یک جامعه ی سیاسی را به وجود می آورند و برای برقراری ارتباط با افراد جامعه، زبانی را به عنوان زبان رسمی بر می گزینند. در هر جامعه ی سیاسی حکومت دارای قدرت و ارزش حقیقی است و بر همین باور زبان رسمی نیز دارای ارزش و احترام است. او می گوید: «این ارزش و اعتبار و احترام زبان رسمی، دیگر زبانها را در جوامع سیاسی کم اهمیت می سازد تا جایی که نام زبان بر آنها نهادن به گونه ای تضعیف زبان رسمی تلقی می گردد. اوج چنین برداشتی را در کاربرد اصطلاح دو زبانه می بینیم. در عرف دو زبانه به کسی گفته می شود که به زبانهای رسمی دو کشور مستقل تسلطی کم و بیش یکسان داشته باشد و بتواند آنها را همزمان به کار برد. (پور ریاحی، ۱۳۶۷: ۱۱)». بنابراین به دلیل پیوند جامعه ی سیاسی با زبان رسمی کاربرد واژه ی گویش برای هر زبان غیر رسمی بدون توجه به شمار سخنگویان و پشتوانه ی آثار مکتوب آن، رایج می گردد.

ایشان همچنین بارهای معنایی واژه ی گویش را در جوامع سیاسی این گونه بیان می کنند:

« ۱- کاربرد واژه ی گویش در مفهوم گونه ی گفتاری زبان رسمی؛ در این گونه کاربرد، گویشها و زبان رسمی مشابه و یا یکسان هستند و به مرور زمان در اثر ثبات نسبی گونه ی نوشتاری (رسمی) و تغییر و تحول پذیری گونه ی گفتاری، اختلافهایی در دستگاه آوایی، دستور و معنایی این دو گونه به وجود می آید و یا از نخست وجود داشته است.

۲- واژه ی گویش برای نامش زبان های غیر رسمی یک جامعه ی سیاسی به کار می رود که با زبان رسمی خویشاندی دارند و در حقیقت از یک خانواده اند اما امکان درک متقابل آنها در جامعه نیست و در بعضی موارد درک متقابل بسیار محدود است.

۳- گویش به زبان های غیر رسمی یک جامعه گفته می شود که از یک خانواده نیستند و بنیادی متفاوت از یکدیگر دارند. (همان: ۱۳)»

### ۳-۱ اهمیت توجه و بررسی زبان های محلی و گویش ها

گردآوری و ثبت و ضبط گویش ها و زبان های محلی اهمیت بسزایی دارد . چه بسا با بررسی و تحلیل داده ها، بسیاری از ناشناخته های زبانی شناخته و برخی از ابهامات زبان شناختی زدوده شود . در روزگار کنونی بسیاری از گویش ها و زبان های محلی ایرانی خاموش شده اند و بسیاری دیگر رو به فراموشی نهاده و جای خود را به فارسی معیار یا گویش های دیگر داده اند و در این میان، فناوری نوین ارتباطات بر سرعت این روند افزوده است . همچنین گویش ها و زبان های محلی منابعی بسیار غنی برای پژوهش های زبانی، ادبی، جامعه شناسی، مردم شناسی و تاریخی می باشند.

### ۴-۱ پیشینه ی تحقیق

تحقیقات زبان شناسی در مورد بلوچی ابتدا توسط مستشرقین و عموماً در بلوچستان پاکستان و براساس لهجه های همان منطقه انجام شده است. اولین محققى که لهجه های بلوچی را بیشتر بطور سیستماتیک مورد مطالعه قرار داده، ویلهلم گیگر (Wilhelm Geiger) بود. او بلوچی را به دو لهجه اصلی تقسیم کرده و آنها را بلوچی شمالی و بلوچی جنوبی (مکرانی) نامید. از دیگر محققین در زمینه ی بلوچی "سر جرج گریسون" (Sir George Grierson) و " آقای موکلا (۱۸۷۷)" می باشند اما برجسته ترین آنها پروفیسور جوزف الفنبین (Josef Elfenbein) (۱۹۶۶) می باشد که او در کتاب "زبان بلوچی، لهجه شناسی با متن " برای نشان دادن تفاوت بین لهجه های مختلف، لیستی شامل آواشناسی، صرف و نحو و لغت تهیه نموده و آن را به عنوان معیار مقایسه شباهت ها و تمایز لهجه ها به کار برده است. سرکار خانم دکتر کارینا جهانی از دانشگاه اوپسلاوی سوئد نیز تحقیقاتی در زمینه لهجه ی سرحدی انجام داده است. در ایران نیز تحقیقاتی توسط دانشجویان و اساتید رشته ی زبان شناسی به صورت پراکنده صورت گرفته است. اما تحقیقات و مطالبی در مورد لهجه های

جنوبی بلوچستان ایران یعنی از ایرانشهر به پایین که به تمام ابعاد زبان شناختی در بلوچی پرداخته باشد، در دست نیست. در این رساله سعی بر آن شده که براساس یکی از لهجه های بزرگ جنوبی (مَکْرانی) که در آن گرایش به مصوت بلند «یی i» به جای مصوت بلند «او u» در واژگان، مثلاً bit به جای but دارد، گزارشی از ویژگی های آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی آن ارائه گردد.

## ۱-۵- اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

(۱) شناساندن ویژگی های آوایی و دستوری در بلوچی.

(۲) ثبت و ضبط زبان بلوچی.

(۳) شناسایی برخی از واژگان و آوهای کهن فارسی از طریق بلوچی. زیرا در بلوچی لغات بیشماری وجود دارد که ریشه در زبان پهلوی یا فارسی کهن دارند مثلاً « واژه ی rūč در بلوچی که به معنای «روز» فارسی امروز است، نسبت به rauča فارسی باستان تغییر اندکی یافته و یا واژه ی kapt به معنی «افتاد»، در فارسی میانه به صورت کلمه ی «کفت» شناخته شده که در فارسی جدید مستعمل نیست. این نشان می دهد که بلوچی تا چه اندازه توانسته در مقابل تغییرات صوتی و واژگانی مقاومت کرده است (فرهنگ معین، ۱۳۷۱، ۲۷)؛ و می تواند منبع مفیدی برای تحقیقات زبان شناسی در زمینه ی فارسی دری و قبل از آن باشد.

## ۱-۶- فرضیه های تحقیق

فرضیه های مطرح شده برای این رساله عبارتند از:

(۱) بلوچی را نمی توان گویشی از زبان فارسی امروزی دانست. بلکه خود دارای ویژگی های آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی خاصی است که در بسیاری از موارد با فارسی معیار تفاوت دارد.

(۲) در بلوچی آوایی وجود دارند که در فارسی معیار وجود ندارند.

(۳) از نظر صرفی و ترکیبات نحوی با فارسی معیار تفاوت هایی دارد.

## ۱-۷- نیکشهر و موقعیت جغرافیایی آن

نیکشهر تا زمان رژیم پهلوی اول یعنی سلطنت رضا خان «گه» (geh) به معنی بهتر نام داشت که بعد از آن به نیکشهر تغییر نام یافت. این شهرستان که قبلاً یکی از بخش های شهرستان چابهار بود، در خردادماه سال ۱۳۶۹ از چابهار جدا و به شهرستان تبدیل شد. به همین خاطر دهخدا در مدخل «گه» آن را یکی از توابع شهرستان چابهار نام می برد. نیکشهر در ۲۶ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی گرینویچ در ارتفاع ۴۵۰ متری از سطح دریا در جنوب استان سیستان و بلوچستان واقع شده است.

این شهرستان با وسعت ۲۳۹۳۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۱۸۸۰۷۱۳ نفر (بر طبق سرشماری سال ۱۳۸۵)، از نظر وسعت سومین شهرستان استان بعد از ایرانشهر و زاهدان و شامل پنج بخش بنت، فنوج، لاشار، قصرقند و مرکزی می باشد. آب و هوای شهرستان گرمسیری بوده، و در این نوع آب و هوا بیشترین نوع محصولات کشاورزی قابل کشت و برداشت بوده، به طوری که نام هندوستان کوچک بر این منطقه نهاده اند. از عمده ترین محصولات کشاورزی در این شهرستان می توان به خرما، برنج، موز، پاپای (خریزه درختی)، انبه و ... نام برد.

نیکشهر سرزمین خاطره های تاریخی است که اسطوره هایی مانند میر کمبر و دادشاه را در خود جای داده است. شهرستان نیکشهر بناهای تاریخی فراوانی دارد که نشانگر وجود تمدنهای پراکنده در این منطقه است. قدمت سفالها و آثار کشف شده در جای جای این شهرستان به بیش از ۹ هزار سال برمی گردد. برخی از آثار برجسته شناسایی شده شهرستان عبارتند از:

- قلعه های تاریخی از جمله قلعه قصرقند، نیک شهر، بنت، فنوج، اسپکه، هیت و چانف.

- ده محوطه و تپه پیش از تاریخ

- پنج درخت کهنسال

- سنگ نگاره های شمال قصرقند

- و ...



از مهم ترین رودخانه های شهرستان نیکشهر می توان به رود کاجو، کشیک و گنگ نام برد که رودخانه هایی فصلی هستند. مذهب مردم شهرستان مانند نقاط دیگر استان اهل سنت و پیشه ی اصلی آنها کشاورزی و دامداری است.

## فصل دوم

### توصیف واجی و فرآیندهای زنجیری

## ۱-۲- توصیف واج ها در بلوچی

### ۲-۲- تعریف واج

در تعریفی که از واج ارائه داده اند، گفته اند: «واج کوچکترین واحد سخن است که تنها صورت دارد اما معنا ندارد و در عین حال سبب تمایز معنایی می شود؛ به زبان دیگر، صداهایی که سبب تمایز معنای دو واژه یا تکواژ می گردند، واج نامیده می شوند. مثلاً جفت واژه های: سَر، سیر؛ سیر، سور؛ سور، سار و ... (کامیار و عمرانی، ۱۳۸۹: ۷)

### ۳-۲- استخراج واج ها

در فرآیند استخراج واجهای یک زبان یا گویش روش معمولی که زبانشناسان به کار می گیرند، در تقابل قرار دادن واج ها در محور جانشینی و جفت های کمینه (minimal pair) است. جفت کمینه یعنی « دو تکواژ که فقط در یک واج، در جایگاه واحد، متفاوت باشند و همین تفاوت باعث تمایز معنایی آنها شود؛ مانند: بار، دار که تفاوت آنها در صامت های b و d یا مست و ماست که تفاوت آنها در مصوت های a و â است. (نجفی، ۱۳۷۸: ۵۵)

بنابراین با توجه به روش جانشین سازی به استخراج و توصیف همخوانها (صامت ها) و واکه های (مصوتها) در بلوچی پرداخته می شود و تا آنجا که ممکن باشد، مقایسه در سطح اول، وسط و آخر واژه ها انجام خواهد شد.

### ۴-۲- توصیف همخوان ها (صامت ها)

همخوان (consonant) « به آواهایی گفته می شود که در ادای آن ها گذرگاه هوا بسته یا تنگ شود. از حنجره به بالا هر کدام از اعضای دستگاه گفتار که لازم باشد می تواند نقشی در بسته یا تنگ شدن مجرای هوا داشته باشند و بسته به این که این انسداد یا تنگی در کجای مجرای گفتار باشد، صوت زنگ های گوناگون می پذیرد و موجب تمایز انواع همخوانها از یکدیگر می شود.» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۳۱۳)

۲-۴-۱- واج /b/ (ب):

فارسی	بلوچی	فارسی	بلوچی	واج
شکوفه پا فال	pol pâd pâl	تاج نوعی بیماری بال	bol bâd bâl	/p/-/b/۱-۱-۴-۲
داغ چوب صدا	dâg dâr sadâ	باغ بار صبح	bâg bâr sabâ	/d/-/b/۲-۱-۴-۲
شور فرو کردن لب های بزرگ	sūr sok sorr	بور غرق شدن قیافه	būr bok borr	/s/-/b/۳-۱-۴-۲
گز گم گرز	gaz gâr gorz	غلیظ بار بلند	baz bâr borz	/g/-/b/۴-۱-۴-۲
نوعی سبد بزرگ قد دراز لعل	lač lâg lâl	فرزند پسر باغ بال	bač bâg bâl	/L /-/b/۵-۱-۴-۲
مادر آرنج مار	mât mok mâr	باد، باشد غرق شدن بار	bât bok bâr	/m/-/b/۶-۱-۴-۲
خوار، ذلیل وعظ بخوان	wâr wâz wân	بار زیاد خانه	bâr bâz bân	/w/-/b/۷-۱-۴-۲
سیل بچه شتر	hâr herr	بار رمیده	bâr berr	/h/-/b/۸-۱-۴-۲
آمد یار	yaht yâr	بخت بار	baht bâr	/y/-/b/۹-۱-۴-۲

نکته: واج /ب/ در بلوچی دولبی و واکندار است و مانند فارسی معیار تلفظ می شود.

۲-۴-۲- واج /p/ (پ):

شناسایی این واج از مقایسه با واج /ب/ (۱-۱-۴-۲) که قبلاً شرح آن گذشت و سنجش های زیر به دست

می آید: